

بررسی و تحلیل ساختمان جمله در بوستان سعدی

اکبر صیادکوه*

چکیده

افصح‌المتکلمین، سعدی شیرازی، از بزرگ‌ترین ارکان ادب پارسی است. نقادان سخن از قدیم شیوه هنری وی را سهل‌ممتنع نامیده‌اند. عنوانی متناقض‌نما که نه تنها نکته‌ای بر خواننده نمی‌گشاید بلکه او را در ابهامی بیش‌تر فرو می‌برد. از آن جا که برای پی بردن به راز و رمز زبان شگفت‌انگیز وی راهی جز بررسی علمی و موشکافانه آثار وی نیست، به همین سبب بر آن شدیم تا ساختمان جمله‌های بوستان را به شکلی کاملاً علمی و آماری بررسی نماییم. بدین منظور ۱۱۰۰ بیت از بوستان را که از مهم‌ترین آثار شیخ اجل است، به عنوان جامعه آماری از متن برگزیدیم و از دیدگاه «ساختمان جمله» بررسی نمودیم و پس از آن به مستقیم یا غیر مستقیم بودن جمله‌ها پرداختیم. مبانی نظری و تعاریف اصطلاحات را از کتاب «جمله و تحول آن در زبان فارسی» فرشیدورد برگرفته‌ایم که به نسبت دیگر دست‌نویسان، با حوصله بیش‌تری بدین موضوع پرداخته است.

واژه‌های کلیدی

بوستان، جمله، منطق نثر، تقدیم و تاخیر ارکان دستوری، جمله‌های مستقیم و غیرمستقیم

مقدمه

شاعران برای انتقال اندیشه‌ها و عواطف خود به مخاطب و برانگیختن احساسات خواننده‌ای که سال‌ها و فرسنگ‌ها با او فاصله دارد، نیاز به تسلط کافی بر زبان دارند تا به کمک آن بتوانند از محدودیت‌های وزن و قافیه بگذرند و بر تأثیر سخن خود بیفزایند.

برای دست‌یابی به مقصود یک شاعر یا نویسنده، باید زبان او را شکافت و از حصار زبان او گذشت. کمتر زبانی در جهان وجود دارد که به اندازه زبان فارسی تنوع بافت کلامی داشته باشد. شفیع کدکنی معتقد است که: «وسعت و گسترشی که نحو زبان فارسی به خصوص از نظر جای کلمات در جمله دارد، شاید در کمتر زبانی وجود داشته باشد» (شفیع کدکنی، ۱۳۸۳: ۲۲۴). کوروش صفوی نیز برای جمله‌ای نظیر: «او کتاب را برای من خرید» ۲۴ آرایش در نظر

*دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران ak_sayad@yahoo.com

می‌گیرد (صفوی، ۱۳۷۳: ۲۲۸/۱). این تنوع ساختمانی یا به عبارت دیگر توانمندی‌های شگفت‌انگیز بالقوه زبان فارسی، فرصتی طلایی برای شاعران بزرگی چون فردوسی، سعدی، حافظ ایجاد کرده است.

سعدی شیرازی از بزرگ‌ترین شاعرانی است که توانمندی او در به کار بردن گونه‌های مختلف زبان و استفاده از ساختمان‌های متنوع نحوی زبانزد است. بدون شک نزدیک کردن زبان شعر به زبان گفتاری روزمره، یکی از مهم‌ترین رموزی است که سعدی توانسته است به وسیله آن مخاطبان خود را قرن‌ها به دنبال خود بکشد. در حوزه زبان، چیرگی او بر نهفته‌های زبان فارسی بی‌نظیر است. انعطاف شگفت‌انگیز کلام او تا حد فهم عوام، پابندی وی در بسیاری از موارد به شکل مستقیم ارکان نحوی یا منطق نثر، فشرده‌گی‌ها و گسترده‌گی‌های هنری و دلایل متعدد دیگر، از رازهای صدرنشینی او در بسیاری از حوزه‌های هنری و زبانی است.

صیادکوه معتقد است که «در ساختار زبان سعدی، چه نثر و چه نظم، اجزای کلام اغلب سر جای دستوری خود نشسته‌اند و تقدیم و تأخیر زیادی در ارکان سخن روی نداده است به گونه‌ای که گاه با اندک جابه‌جایی، سخن به شیوه نثر مستقیم درمی‌آید و این یکی از وجوه سهل‌ممتنع بودن زبان سعدی قلمداد می‌شود» (صیادکوه، ۱۳۸۶: ۱۵۴). با اندکی تصرف) همه فارسی‌دانان، سعدی پژوهان و هر کسی که در اشعار شیخ اجل اندک تفرجی کرده، ستایش‌گر زبان و شیوه بیان او است. تقریباً در هر کتاب یا مقاله‌ای که درباره سعدی نگاشته شده، با هر موضوعی، چه اخلاقی، چه اجتماعی، چه تجزیه و تحلیل حکایت‌ها، چه بررسی دیدگاه‌های سیاسی او و ... به زبان سحرآمیز و شیوه بیان متفاوت سعدی اشاره شده است. در فهرست ریزموضوعی کتاب‌های منتشر شده در پیوند با سعدی که اخیراً به چاپ رسیده است، به مدخل‌های فراوانی برمی‌خوریم که با این مطلب پیوند دارد (حسن لی، ۱۳۹۱). همین امر بیش‌تر ما را به انجام این پژوهش ترغیب نمود. بدین منظور از میان آثار متعدد شیخ اجل، بوستان را که یکی از امهات کتب ادبی زبان فارسی است، برگزیدیم. باشد که با بررسی ساختمان جمله‌های آن تا اندازه‌ای به راز و رمزهای نحوی زبان سعدی و کارکرد آن پی ببریم و گوشه‌ای از اسرار وی را دریابیم.

ما در بررسی ساختمان جمله‌ها در بوستان سعدی، نه برآنیم و نه توانایی آن را داریم که دستور زبان و ساختمان نحوی زبانی وی را نقد کنیم؛ چه، سخن او معیار سنجش زبان فارسی است و نوشته‌های فارسی‌نویسان و اشعار پارسی‌گویان در ترازوی کلام او سنجیده می‌شود. هدف ما فقط ارائه طرحی جامع - در حد توان - از ویژگی‌های دستوری کلام او و هم‌چنین میزان استفاده او از ظرفیت‌های زبان فارسی و کشف الگوها و قالب‌های مورد استفاده او در ترتیب اجزای جمله‌ها است. بدین منظور نخست بر اساس الگوهای جمله در زبان فارسی، جمله‌های بوستان را سنجیده‌ایم و نتایج را در قالب نمودار ارائه داده‌ایم. پس از آن، جمله‌ها را از نظر مستقیم و غیرمستقیم بودن و به نسبت رکن جابه‌جا شده، دسته‌بندی کردیم و نتایج به‌دست‌آمده را در قالب نمودارهایی ارائه کردیم.

مبانی نظری و تعاریف این پژوهش بر اساس کتاب «جمله و تحول آن در زبان فارسی» اثر خسرو فرشیدورد است ولی در برخی موارد^۱ بر حسب نیاز - به آثار دستورنویسان دیگر نیز استناد شده که مأخذ آن‌ها ذکر گردیده است.

۱ - بررسی و تحلیل گونه‌های جمله و بسامد آن‌ها در بوستان سعدی

به دلیل تعدد و گسترگی تعریف جمله در کتاب‌های دستوری، اینجا نظر دو تن از دستورنویسان را ذکر می‌کنیم:

خیام پور جمله را چنین تعریف کرده است: «**جمله**، مجموعه کلماتی است که مقصودی را برساند یعنی دارای اسنادی باشد که ذاتاً تام است خواه نقض عرضی داشته باشد یا نه» (خیامپور، ۱۳۸۸: ۱۸).

فرشیدورد جمله را چنین تعریف کرده است: «**جمله** صورتی است از زبان که دارای آهنگی خاص و درنگی پایانی و معنایی کامل باشد و در ساختمان صورت زبانی وسیع تری به کار نرود» (فرشیدورد، ۱۳۷۸: ۸۵).

۱-۱- الگوی جمله‌ها در زبان فارسی

واژگان یک زبان مواد اولیه آن زبان هستند. اهل هر زبانی برای این که اندیشه‌های خود را به شکل گفتار و در قالب زبان به مخاطبان خویش ارائه نمایند، برای هر رکن از ارکان سازنده کلام، جایگاه نحوی خاصی در نظر می‌گیرند و واژه‌ها را با توجه به نقش دستوری آن‌ها در کنار هم می‌چینند. فارسی‌زبانان نیز بر اساس قواعد خاصی، واژگان یک جمله را در کنار یکدیگر قرار می‌دهند. اگرچه بسیاری از عوامل زبانی و بلاغی در چینش نحوی واژگان تأثیر می‌گذارد و موجب تقدیم و تأخیرهایی در همنشینی اجزای کلام می‌شود ولی قاعده کلی در جمله‌های عادی چنین است که: «ابتدا مسندآلیه می‌آورند سپس وابسته فعل، بعد فعل را. مانند: ابن سینا دانشمند بود» (فرشیدورد، ۱۳۷۸: ۹۲).

فرشیدورد برای جمله‌های بسیط فارسی ۲۱ الگوی ساختمانی جمله قائل است. ما در این جا الگوهای را آورده‌ایم که در بوستان سعدی به کار رفته‌اند و از آوردن الگوهایی که در بوستان به کار نرفته‌اند، چشم‌پوشی کرده‌ایم:

۱- مسندآلیه + مکمل (مسند) + فعل ربطی لازم.

۲- مسندآلیه + فعل تام لازم.

۳- مسندآلیه + مفعول رائی + فعل تام متعدی.

۴- مسندآلیه + مفعول رائی + مفعول دوم + فعل متعدی دو مفعولی.

۵- مسندآلیه + فعل مجهول.

۶- مسندآلیه + مفعول + مکمل (مسند) + فعل ناقص متعدی (فرشیدورد، ۱۳۷۸: ۱۴۱-۱۱۶).

البته هر کدام از این طرح‌ها، کوتاه‌ترین جمله در نوع خود هستند. این طرح‌ها را می‌توان با افزودن قید و متمم و نیز با آوردن صفت، مضاف‌آلیه، بدل، معطوف و تأکید و ... گسترش داد.

۲- شیوه پژوهش

برای به انجام رساندن این پژوهش، ۱۱۰۰ بیت از بوستان سعدی را برگزیدیم تا جامعه آماری تشکیل دهیم. آن‌گاه جمله‌های به کار رفته در این بیت‌ها را استخراج و بر اساس الگوهای به کار رفته، آن‌ها را تقسیم‌بندی کردیم و وضعیت آن‌ها را بررسی و تحلیل نمودیم. شایان یاد است که شیوه‌گزینش این ابیات به گونه‌ای صورت پذیرفته که تا سر حد امکان نتایج قابل اعتمادتر باشند؛ برای این منظور بدین شیوه عمل شده است که از مقدمه و هر یک از باب‌های دهگانه بوستان صد بیت با ترتیب زیر برگزیده‌ایم: ۱۰۰ بیت نخست مقدمه، ۱۰۰ بیت اول باب اول و ۱۰۰ بیت دوم باب دوم، ۱۰۰ بیت سوم باب سوم، ۱۰۰ بیت چهارم باب چهارم، ۱۰۰ پنجم باب پنجم، ۱۰۰ بیت دوم باب ششم، ۱۰۰ بیت سوم باب هفتم، ۱۰۰ بیت اول باب هشتم، ۱۰۰ بیت دوم باب نهم و همه بیت‌های باب دهم.

۳- الگوهای جمله‌ها در بوستان سعدی

۳-۱- مسندالیه + مکمل (مسند) + فعل ربطی

این قالب یکی از پرکاربردترین الگوهای جمله در زبان فارسی است. در جامعه آماری این پژوهش که در مجموع، ۲۵۶۵ جمله وجود دارند، ۵۶۲ جمله طبق الگوی یادشده ساخته شده‌اند. پراکندگی این جمله‌ها در سراسر بوستان به تناسب مضمون، متغیر است. چون شیخ اجل در این بیت‌ها بیش‌تر به نیایش و تحمیدیه پرداخته و این مضمون‌ها، شکل خاصی از جمله‌ها را می‌طلبد. تعداد جمله‌هایی که از نهاد، مسند و فعل ربطی تشکیل شده است، بیش از باب‌های دیگر است. در این باب ۷۷ جمله طبق این الگو ساخته شده است. مانند بیت:

آدیم زمین سفره عام اوست بر این خوان یغما، چه دشمن چه دوست
(بوستان، ۱۳) ^۱

و یا:

بری ذاتش از تهمت ضد و جنس غنی ملکش از طاعت جن و انس
پرستار امرش همه چیز و کس بنی آدم و مرغ و مور و مگس
(۱۵ و ۱۶)

در بخش‌هایی که جامعه آماری ما از بیت‌های ابتدای باب‌هاست و سعدی در آن‌ها از مسائل کلی و پند و اندرز و .. سخن به میان می‌آورد و در حقیقت پیش‌درآمد موضوع اصلی هر باب است، بسامد این الگو بیش‌تر است. در بیت‌های پایانی حکایت‌ها آن‌گاه که به استنتاج حکایت‌ها می‌پردازد، بار دیگر کاربرد این الگو فزونی می‌یابد. در باب اول، جمله‌هایی که طبق الگوی اول ساخته شده‌اند، نسبت به الگوهای دیگر بیش‌تر است، شاید دلیل آن این باشد که بر حسب تصادف جامعه آماری از بیت‌های ابتدای این باب انتخاب شده است. مانند این بیت‌ها در باب اول:

... که خاطر نگهدار درویش باش نه در بند آسایش خویش باش
(۲۱۹)

رعیت چو بیخند و سلطان درخت درخت ای پسر باشد از بیخ سخت
(۲۲۳)

در باب پنجم، جامعه آماری ما از ۱۰۰ بیت نخست برگزیده شد ولی به دلیل این که این باب برخلاف معمول، با حکایت (جدال سعدی با مدعی) آغاز شده است نه با طرح مسائل کلی، بسامد این الگو نسبت به ابتدای باب‌های دیگر کم است.

در باب هشتم نیز جامعه آماری از ۱۰۰ بیت نخست برگزیده شده است. در بیت‌های آغازین این باب، این‌گونه جمله‌ها، نسبت به بخش‌های دیگر بیش‌تر است؛ مانند:

...کنار و بر مآدر دلپذیر بهشت است و پستان در او جوی شیر
درختی است بالای جان پرورش ولد میوه نازنین بر برش
نه رگ‌های پستان درون دل است پس ار بنگری شیر خون دل است
(۳۳۲۸-۳۳۳۱)

اما چون در این باب پس از بیست و اندی بیت، حکایت‌ها شروع می‌شوند و سعدی در حکایت‌ها کم‌تر به طرح

مسائل کلی می‌پردازد، تعداد بیت‌هایی که مطابق با این الگو هستند، چندان زیاد نیست. شایان توجه است که پس از پایان داستان‌ها و هنگام استنتاج از حکایت‌ها، یعنی آن‌گاه که سعدی دوباره بر سر وعظ و اندرز و بیان جهان‌بینی خود برمی‌گردد، بار دیگر تعداد این گونه جمله‌ها فزونی می‌یابد. به عنوان مثال در باب سوم پس از پایان حکایت «نی‌آموختن نوجوان لب شگری»، بر منبر وعظ می‌رود که:

بگن خرقه نام و ناموس و زرق
تعلق حجاب است و بی حاصلی
که عاجز بود مرد با جامه غرق
چو پیوندها بگسلی، واصلی
(۱۹۳۰-۱۹۲۹)

در باب چهارم در پایان حکایت «در محرومی خویشتن‌بینان»، نیز بسامد این الگو افزایش می‌یابد:

تو خود را گمان کرده‌ای پر خرد
ز دعوی پری، زان تهی می روی
انائی که پر شد دگر چون برد
تهی آی تا پرمعانی شوی
(۲۳۲۵-۲۳۲۴)

در جامعه آماری این پژوهش، ۲۵۶۵ جمله وجود دارد. از این تعداد، ۵۶۲ جمله طبق الگوی یاد شده (مسنده‌ایه + مسند + فعل ربطی) ساخته شده‌اند که از نظر آماری نزدیک به ۳۰ درصد از کل جمله‌هاست. بیش‌ترین تعداد این جمله‌ها در مقدمه، باب اول و باب ششم و کم‌ترین تعداد آن‌ها در باب پنجم و باب هشتم به کار رفته است. دلیل این تفاوت‌ها این است که ساختمان جمله‌ها پیوندی مستقیم با مضمون دارد.

۳-۲- مسنده‌ایه + فعل تام لازم

«فعل لازم، فعلی است که به مفعول نیاز نداشته باشد و نشانه‌اش آن است که در جواب «که را» و «چه را» یا «چه کسی را» و یا «چه چیزی را» نمی‌آید و امروزه همراه با حرف اضافه «را» نیست؛ مانند: من رفتم.» (فرشیدورد، ۱۳۸۳: ۳۶۰)

آن‌جایی جامعه آماری پژوهش، از ابتدای باب‌ها هستند، بسامد این الگو کمتر و در باب‌هایی که بیت‌ها را از حکایت‌ها برگزیده‌ایم، بسامد جمله‌هایی که طبق این الگو ساخته شده است، بیش‌تر است. می‌توان گفت سعدی در حکایت‌ها، از این الگو بیش‌تر استفاده کرده است؛ به عنوان نمونه در یکی از حکایت‌های باب سوم که با بیت:

قضا را من و پیری از فاریاب
رسیدیم در خاک مغرب به آب

شروع می‌شود، در چهارده بیت این حکایت، دوازده جمله طبق این الگو ساخته شده است.

یکی از ویژگی‌های این جمله‌ها، کوتاه بودن آن‌هاست. در حکایت‌های بوستان که سعدی می‌خواهد یک داستان را در قالب چند بیت محدود نقل کند، با استفاده از این الگو است که می‌تواند چند جمله و جمله‌واره را در یک بیت جای دهد. تعدد جمله‌ها در یک بیت بی‌تردید از عوامل پویایی و تحرک حکایت‌هاست. مانند بیت‌های زیر:

ز هجران طفلی که در خاک رفت
تو پاک آمدی بر حذر باش و پاک
چه نالی؟ که پاک آمد و پاک رفت
که ننگ است ناپاک رفتن به خاک
...نشستی به جای دگر کس بسی
نشیند به جای تو دیگر کسی

(۳۶۷۰-۳۶۷۳)

بهترین راه برای بیان جزئیات، استفاده از قیدها و متمم‌هاست. اما محدودیت‌های وزن و قافیه این امکان را کم می‌کند. سعدی برای رهایی از این تنگنا این الگوی کوتاه را برمی‌گزیند؛ در نتیجه تعداد جمله‌هایی که در یک بیت

می‌نشینند، بیش‌تر می‌شوند. علاوه بر این، استفاده از این الگو این امکان را برای وی فراهم می‌آورد که در کنار ارکان اصلی جمله، تعدادی از ارکان غیراصلی از قبیل: قید و متمم و صفت و ... را بیاورد و بدین وسیله، جزئیات بیش‌تر حکایت را با آن‌ها برای مخاطب روشن کند.

در ۱۱۰۰ بیت بررسی شده، ۸۶۰ جمله و جمله‌واره وجود دارد که طبق الگوی دوم (نهاد + فعل لازم) ساخته شده است. این تعداد، ۳۳/۵ درصد از کل جمله‌ها و جمله‌واره‌ها است.

۳-۳- مسندالیه + مفعول رایبی + فعل تام متعدی

به نظر می‌رسد این الگو در دوره‌های مختلف، پربسامد بوده است؛ همچنان که امروزه هم بسامد این قالب نحوی به نسبت دیگر قالب‌ها بیش‌تر است. در بوستان نیز تعداد جمله‌هایی که طبق این الگو ساخته شده‌اند، از الگوهای دیگر بیش‌تر است. دلیل اصلی آن، کاربرد فراوان مصدرهایی از قبیل: گرفتن، شنیدن، خوردن، بریدن، آموختن، دانستن، حکایت کردن، آوردن، یافتن، فرمودن، گذاشتن، برداشتن و ... در بوستان است که همگی متعدی هستند و جمله‌هایی طبق الگوی یادشده می‌سازند. شایان یاد است که مفعول بیش‌تر این جمله‌ها، به شکل جمله‌واره پیرو می‌آید. مانند:

شنیدم که شاپور دم درکشید چو خسرو به رسمش قلم بر کشید
(۲۶۹)

گاهی با وجود استفاده از فعل‌های متعدی، مفعول به علت وضوح به قرینه معنوی حذف شده است. مثلاً در بیت:

خور و پوش و بخشای و راحت رسان نگه می‌چه داری ز بهر کسان
(۱۲۲۶)

که از بین پنج فعل به کار رفته در این بیت، چهار فعل که از مصدرهای «خوردن»، «پوشیدن»، «بخشیدن» و «نگه داشتن» ساخته شده‌اند، همگی متعدی هستند و هیچ‌یک از مفعول‌های آن‌ها در بیت نیامده است.

پس از بررسی جمله‌ها و تطبیق آن‌ها با الگوی یاد شده، معلوم شد که ۸۸۹ جمله و جمله‌واره مطابق با این الگو است که بیش از ۳۴/۴ درصد از کل جمله‌های جامعه آماری بوستان است. کم‌ترین تعداد این گونه از جمله‌ها در مقدمه به کار رفته است.

۳-۴- مسندالیه + مفعول رایبی + مفعول دوم + فعل متعدی دو مفعولی

در بوستان تعداد جمله‌هایی که مطابق با الگوی چهار ساخته شده‌اند، نسبتاً کم است. یکی از دلایل آن این است که در این الگو جمله‌ها طولانی هستند و سعدی در بوستان به استفاده از جمله‌های طولانی علاقه‌ای ندارد.

دوم این که - چنان که پس از این نشان خواهیم داد- سعدی علاقه دارد که مصراع را واحد کلام قرار دهد، درحالی که جمله طولانی طبق الگوی بالا در مصراع یازده هجایی بحر متقارب به راحتی نمی‌گنجد. هم‌چون بیت زیر که از جمله‌ای طبق الگوی بالا ساخته شده است و در یک مصراع نگنجیده است:

یکی را ز مردان روشن ضمیر امیر ختن داد طاقی حریر
(۲۷۸۵)

اما با وجود این سعدی به ضرورت، توانسته است از این قالب نحوی استفاده کند. دلیل آن این است وی از توانمندی‌های زبان فارسی کاملاً آگاه است و عبور از تنگنای عروضی و محدودیت‌های نحوی برای وی بس آسان است. برای دریافت

شگردهای او، در این گونه جمله‌ها دقت و بررسی بیشتری شد و مشخص شد که در بوستان، فعل نزدیک به نیمی از این نوع جمله‌ها، از مصدر «گفتن» است. استفاده فراوان از این مصدر در حکایت‌ها امری طبیعی است.

مصدر «گفتن» در بافت جمله می‌تواند معانی متعددی از جمله: نقل کردن، حکایت کردن، نامیدن، پنداشتن، پاسخ دادن و ... داشته باشد اما در صورتی که در معنای اصلی خود به کار برود، از افعال متعدی دو مفعولی است و موجب ایجاد جمله‌های طولانی می‌شود. شیخ اجل در کاربرد این مصدر از شگردهایی خاص استفاده کرده است. وی با ایجاد تغییراتی در ارکان اصلی جمله، بدون آن که خللی در معنا ایجاد شود، جمله‌ها را هنرمندانه کوتاه کرده است تا با وجود بهره بردن از این فعل، جمله‌ها طولانی نشود. برخی از این شگردها عبارتند از:

۱- حذف فعل "گفت"

یکی از بارزترین ویژگی‌های این گونه جمله‌ها، حذف فعل "گفت" است. به علت شکل داستانی بوستان، این فعل و فعل‌های هم‌معنی آن، در بوستان به فراوانی به کار رفته است اما در بسیاری از موارد، به دلیل وضوح و جلوگیری از اطناب، شیخ اجل از ذکر خود فعل‌ها صرف نظر کرده است. مانند بیت:

زبان‌دانی آمد به صاحب‌دلی که محکم فرو مانده‌ام در گلی
(۱۱۸۳)

۲- حذف متمم

از راه‌کارهای دیگر شیخ اجل برای کوتاه کردن این گونه جمله‌ها این است که هنگام استفاده از مصدر «گفتن»، متمم را به قرینه لفظی یا معنوی حذف می‌کند. مانند:

شنیدم که مردی غم‌خانه خورد که زنبور بر سقف او لانه کرد
زنش گفت از اینان چه خواهی؟ مکن که مسکین پریشان شوند از وطن
(۱۵۹۸-۱۵۹۹)

۳- آوردن مفعول به شکل جمله‌واره پیرو

یکی دیگر از شگردهایی سعدی در استفاده از مصدر «گفتن»، این است که در بیش‌تر موارد، مفعول را به شکل جمله‌واره پیرو و در مصراع دیگر می‌آورد. مانند:

چنین گفت پیری پسندیده، دوش خوش آید سخن‌های پیران به گوش
(۲۹۶۶)

در بوستان در بیش‌تر موارد، مفعول‌های مصدر «گفتن» به شکل جمله‌واره پیرو آمده است و به ندرت دیده شد که مفعول به شکل مفرد و پیش از فعل بیاید.

در میان بیت‌های بررسی شده، تعداد ۲۱۹ بیت یافت شد که طبق این الگو ساخته شده بودند. این تعداد ۸/۵ درصد از کل جمله‌هاست که پراکندگی آن‌ها در مقدمه، باب چهارم و باب ششم بیش‌تر بود. شایان یاد است که در میان ۲۱۹ جمله‌ای که طبق این الگو ساخته شده است، فعل ۹۵ آن‌ها از مصدر «گفتن» است.

۳-۵- مسندالیه + مفعول رای + مکمل (مسند) + فعل ناقص متعدی

معنی فعل‌های ناقص متعدی نیز مانند فعل‌های ناقص لازم، ناقص است و به مکمل نیاز دارند، با این تفاوت که این

فعل‌ها مفعول رایبی نیز دارند و مکمل آن‌ها به جای این‌که به مسندالیه برگردد به مفعول رایبی برمی‌گردد. این مکمل‌ها را «مکمل مفعولی» یا «مسند مفعولی» می‌نامیم. مانند: «پنداشتن»، «نامیدن»، «گمان بردن»، «گردانیدن» و ... (فرشیدورد، ۱۳۸۳: ۱۳۴).

در بوستان بسامد چنین ساختاری به نسبت الگوهای دیگر کمتر است. مانند بیت:

تو خود را گمان برده ای پرخرد انائی که پر شد، دگر چون برد ؟

(۲۳۲۴)

فعل مصراع اول از مصدر «گمان بردن» و از فعل‌های ناقص متعدی است و «پرخرد» مسند مفعولی آن است. در بخش‌های بررسی شده فقط ۳۴ جمله طبق این قالب ساخته شده‌اند. این تعداد کمتر از ۲ درصد از کل جمله‌های جامعه آماری ماست. طولانی بودن این‌گونه جمله‌ها، دلیل کاربرد اندک آن‌ها در بوستان است.

۳-۶- مسندالیه + فعل مجهول

در ۱۱۰۰ بیت بررسی شده بوستان که از ۲۵۶۵ جمله و جمله‌واره‌ای تشکیل شده‌اند، فقط یک جمله وجود داشت که در آن فعل مجهول به کار رفته بود:

یکی بچه گرگ می‌پرورید چو پرورده شد، خواجه بر هم درید

(۳۷۶۸)

این نشان می‌دهد که شیخ اجل هیچ علاقه‌ای به استفاده از فعل‌های مجهول ندارد. اصلی‌ترین دلیل آن این است که فعل مجهول و به تبع آن نبود فاعل در حکایت‌های کوتاه، فهم آن‌ها را برای مخاطب مشکل می‌کند و حکایت را در فضایی ابهام‌آمیز فرو می‌برد.

نمودار زیر فراوانی جمله‌ها و جمله‌واره‌هایی را که طبق الگوهای یاد شده ساخته شده‌اند، نشان می‌دهد.



نمودار شماره ۱: فراوانی الگوی جمله‌ها در بوستان

این نمودار به ما نشان می‌دهد که از ۲۵۶۵ جمله و جمله‌واره، ۲۳۱۱ آن، یعنی بیش از ۹۰ درصد، طبق الگوهای اول، دوم و سوم ساخته شده‌اند که فراوانی آن‌ها ترتیب، جمله با فعل ربطی لازم (مسندآلیه + مکمل (مسند) + فعل ربطی)، جمله با فعل لازم (مسندآلیه + فعل تام لازم) و جمله با فعل تام یک مفعولی (مسندآلیه + مفعول رایبی + فعل تام متعدی) است. ۲۵۴ جمله و جمله‌واره یعنی کم‌تر از ۱۰ درصد از جمله‌ها نیز مطابق با الگوی چهارم، پنجم و ششم ساخته شده‌اند.

۴- جمله‌ها و جمله‌واره‌های مستقیم و غیرمستقیم در بوستان

از آن‌جا که شیوه و محل قرارگرفتن ارکان جمله در روانی و زیبایی سخن تاثیر فراوان دارد، در این قسمت چگونگی چینش اجزای جمله‌های بوستان را بررسی می‌کنیم تا مشخص شود که در این اثر ارزشمند، ارکان نحوی چه تعداد از جمله‌ها و جمله‌واره‌ها در جایگاه تعریف‌شده خود قرار دارند، ارکان نحوی چه تعداد از جمله‌ها بر منطق نثر یا به اصطلاح، مستقیم هستند و ارکان چه تعداد از آن‌ها در جای اصلی خود قرار ندارند و به اصطلاح، غیرمستقیم هستند. هرچند سنجش زبان شعر با زبان نوشتاری معیار یا نثر معمولی کار آسانی نیست اما برای پی‌بردن به شیوه چینش ارکان جمله در بوستان، راهی جز این نیست.

دکتر باطنی معتقد است که: «نظم و نثر از نظر ساخت دستوری، دو گونه متفاوت زبان فارسی هستند که نمی‌توان از یکی برای دیگری شاهد آورد» (باطنی، ۱۳۸۷: ۶۹).

چینش واژه‌ها در یک اثر هنری به خصوص شعر، بیش‌تر تابع اصول بلاغت و ضرورت‌های وزن و قافیه است تا نظم نحوی زبان. گاهی ضرورت‌های بلاغی و عروضی، موجب جابه‌جایی‌های زیادی در ارکان نحوی جمله می‌شود، تا جایی که زبان را به ورطه تعقید می‌کشاند.

در این بخش، کلام سعدی را با ترازوی مستقیم بودن یا مستقیم نبودن جمله‌ها و جمله‌واره‌ها می‌سنجیم و توانایی او را در نثرگونه کردن ارکان جمله‌ها و قراردادن هر رکن در جایگاه اصلی خود، در بوستان بررسی می‌کنیم؛ سپس میزان و نوع تقدیم و تأخیرها در ارکان نحوی را بررسی خواهیم نمود.

اصطلاح مستقیم و غیرمستقیم برگرفته از کتاب‌های دستور زبان فارسی است. انوری و گیوی این دو اصطلاح را چنین تعریف کرده‌اند: «جمله‌ها را از نظر ترتیب اجزا و این که ارکان آن‌ها سر جای خود به کار رفته‌اند یا نه، به دو دسته تقسیم می‌شوند: مستقیم و غیرمستقیم».

جمله مستقیم جمله‌ای است که در آن، اجزای کلام، نظم طبیعی و ترکیب مستقیم خود را داشته باشد؛ به عبارت دیگر مطابق دستور، یعنی دستورمند باشد و جمله غیرمستقیم جمله‌ای است که در آن، اساس نظم طبیعی و آیین ترکیب اجزا و ارکان به هم خورده باشد» (انوری و گیوی، ۱۳۷۸: ۳۰۸).

فرشیدورد معتقد است که: «جمله و جمله‌واره بسیط، دو رکن اصلی دارد: ۱- مسندآلیه یا موضوع ۲- مسند یا گزاره یا خبر. در زبان فارسی ترتیب معمول اجزای جمله عادی بسیط، بدین‌سان است که ابتدا مسندآلیه می‌آورند، سپس وابسته فعل، بعد فعل را. مانند: «ابن سینا دانشمند بود» و اجزای جمله گسترده بسیط در حال عادی به ترتیب چنین می‌آید: ۱- مسندآلیه یا قید یا متمم قیدی زمان. ۲- قید یا متمم قیدی زمان با مسندآلیه ۳- مفعول رایبی ۴- مفعول‌های دیگر ۵- متمم‌های قیدی یا قیود دیگر ۶- فعل» (فرشیدورد، ۱۳۷۸: ۹۲).

۴-۱- جمله‌های مستقیم

بر اساس یافته‌های این پژوهش، این ادعا ثابت می‌شود که سعدی علاقه وافری دارد که ارکان جمله‌ها را در شعر، مانند نثر به شکل طبیعی و نثرگونه به کار ببرد. تسلط شگفت‌انگیز او بر رموز پنهان زبان فارسی و وسعت گنجینه لغات،

به او کمک می‌کند تا نظم ارکان نحوی جمله‌ها را به شیوه نثر نزدیک کند و تنگناهای قافیه و وزن عروضی موجب جابه‌جایی‌های زیادی در ارکان جمله‌های بوستان نشده است. بخشی از باب سوم را به عنوان نمونه می‌آوریم، اگرچه نمونه‌هایی از این دست در بوستان فراوان است:

چه نغز آمد این نکته در سنبداد	که عشق آتش است - ای پسر - پند، باد
به باد آتش تیز برتر شود	پلنگ از زدن کیسه و تر شود
چو نیکت بدیدم بدی می‌کنی	که رویم فرا چون خودی می‌کنی
ز خود بهتری جوی و فرصت شمار	که با چون خودی گم کنی روزگار
پی چون خودی خودپرستان روند	به کوی خطرناک مستان روند
من اوّل که این کار سر داشتم	دل از سر به یک بار برداشتم
سر انداز ار عاشقی صادق است	که بد زهره بر خویشتن عاشق است
اجل ناگهی در کمینم گُشد	همان به که آن نازنینم کشد
نه روزی به بیچارگی جان دهی؟	پس آن به که در پای جانان دهی

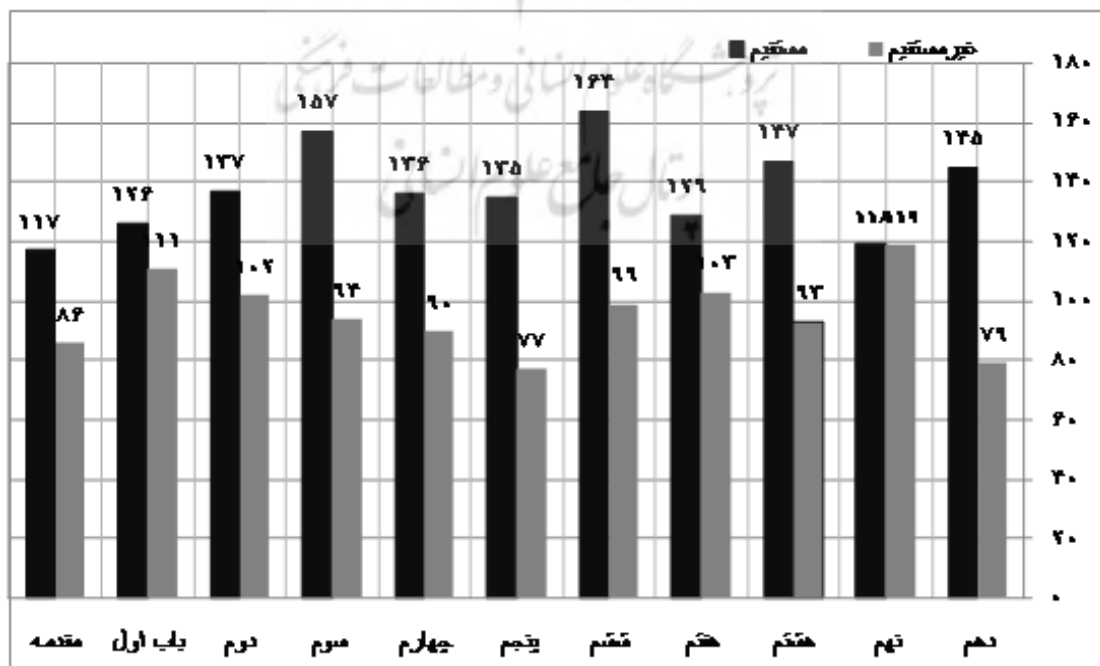
(۱۹۶۳-۱۹۵۴)

در ۹ بیت بالا تنها جمله‌های دو مصراع؛ مصراع اول بیت اول، به دلیل تقدیم فعل و مصراع دوم بیت چهارم، به دلیل جابه‌جایی مفعول، مستقیم نیستند. هم‌چنین در بیت‌های زیر که همه جمله‌ها مستقیمند:

یکی را کرم بود و قوت نبود	کفایش به قدر مروت نبود
که سفله خداوند هستی مباد	جوانمرد را تنگدستی مباد
کسی را که همت بلند اوفتند	مرادش کم اندر کمند اوفتند

(۱۲۵۷-۱۲۵۵)

پس از بررسی جمله‌ها و جمله‌واره‌ها، فراوانی جمله‌های مستقیم و غیرمستقیم را در جدول زیر ارائه نموده‌ایم تا میزان کاربرد آن‌ها را در هر باب را نشان دهیم.



نمودار شماره ۲: نسبت جمله‌های مستقیم با جمله‌های غیرمستقیم در هر باب

از میان ۲۵۶۵ جمله‌ای که در بیت‌های بررسی شده، قریب به ۶۰ درصد از آن‌ها کاملاً مستقیم هستند. به سخنی دیگر، از ۲۵۶۵ جمله، ۱۵۱۰ جمله به شکل کاملاً طبیعی و نثرگونه و بدون کوچک‌ترین جابه‌جایی در ارکان نحوی، به کار رفته است. به نظر می‌رسد این ویژگی زبان سعدی، در ساده و روان شدن شعر وی تاثیر فراوان داشته است و احتمالاً یکی از رمزهای موفقیت او در پیوند با مخاطب است. در بررسی بیت‌های مستقیم و غیرمستقیم، نکته‌های قابل توجهی در آن‌ها به چشم می‌آید. از جمله این‌که پراکندگی جمله‌های مستقیم در باب‌های دهگانه تقریباً یکسان است و اختلاف بین کمینه و بیشینه کاربرد آن‌ها ۱۴ درصد است؛ یعنی این‌که کم‌ترین کاربرد ۵۰ درصد و بیش‌ترین کاربرد آن ۶۴ درصد است. از این جهت می‌توان گفت بوستان از نظر کاربرد زبان، اثری یک‌دست است.

نکته دوم این‌که معمولاً اگر در مصراع اولِ بیتی، جمله مستقیم به کار رفته باشد، در مصراع دوم نیز جمله مستقیم به کار می‌رود. به این بیت‌ها بنگریم:

چو ییچارگان می پرستی کنند بر آواز دولا ب مسستی کنند

(۱۹۰۹)

جهان ای پسر ملک جاوید نیست ز دنیا وفاداری امید نیست

(۷۹۱)

درشتی و نر می به هم دربه است چو رگزن که جراح و مرهم نه است

(۲۹۳)

و اگر مصراع اول مستقیم نباشد، غالباً مصراع دوم نیز مستقیم نیست و معمولاً همان رکنی که در مصراع اول مقدم یا مؤخر شده، در مصراع دوم نیز دچار تقدیم یا تاخیر می‌شود؛ مانند بیت:

چو پیش آمدش بنده‌ی رفته باز ز لقمانش آمد نهیبی فراز

(۲۴۰۴)

که در هر دو مصراع، جزء غیر صرفی فعل مرکب جابه‌جا شده است. همچنین در بیت:

نه گردن‌کشان را بگیرد بی‌فور نه عذرآوران را براند بجور

(۵)

که در هر دو مصراع قید، مؤخر شده است. در بوستان کمتر دیده شد که جمله یکی از مصراع‌ها مستقیم و جمله مصراع دیگر، غیر مستقیم باشد.

واپسین نکته این‌که معمولاً بیت‌های دارای جمله مستقیم، در کنار هم و متوالی می‌آیند. یعنی این‌که مستقیم بودن جمله‌ها و کاربرد نثرگونه و نزدیکی به زبان گفتار، بلکه ذهن شیخ اجل بوده است و وی آن‌گاه که جمله‌های مستقیم را به کار می‌برد، معمولاً تا چندین بیت، این گونه جمله‌ها را ادامه می‌دهد؛ مانند: بیت‌های: ۱۲۳۸ تا ۱۲۳۳، ۲۱۷۸ تا ۲۱۷۲، ۳۴۶۲ تا ۳۴۷۵ و ۳۷۹۷ تا ۳۸۰۲ نیز این گونه‌اند.

۴-۲- جمله‌های غیرمستقیم

پس از بررسی جمله‌های مستقیم در بوستان، در این قسمت به چند و چون کاربرد جمله‌های غیرمستقیم در این اثر ارزشمند می‌پردازیم. برای درک بهتر هنر سخن‌وری شیخ اجل، بیت‌هایی را که از جمله‌های غیرمستقیم تشکیل شده‌اند در سه دسته جای دادیم:

۴-۲-۱- جمله‌هایی که فقط یک رکن جمله در آن جابه‌جا شده است.

۴-۲-۲- جمله‌هایی که دو رکن در آن جابه‌جا شده است.

۴-۲-۳- جمله‌هایی که بیش از دو رکن از ارکان آن جابه‌جا شده است.

۴-۲-۱- جمله‌های با یک رکن جابه‌جا شده

از آن‌جایی که سعدی به مستقیم بودن جمله‌ها و به کار بردن ارکان جمله‌واره‌ها در جایگاه اصلی خود پای‌بند است، در جایی که وزن عروضی و قافیه و ضرورت‌های بلاغی موجب جابه‌جایی اجزای جمله می‌شود، سعی وی دارد که جمله‌ها و جمله‌واره‌ها را با کم‌ترین جابه‌جایی ارکان و عدول از نظم معیار و رسمی کلام به کار ببرد.

از مجموع ۲۵۶۵ جمله به کار رفته در جامعه آماری این پژوهش، ۹۷۰ جمله وجود دارد که فقط یک رکن از ارکان نحوی آن در جایگاه اصلی خود قرار ندارد. این تعداد ۳۷/۸ درصد از کل جمله‌های به کار رفته در جامعه آماری است؛ به عبارتی دیگر در هر باب تقریباً بین ۳۰ تا ۵۰ درصد از جمله‌های به کار رفته تنها یک رکن از ارکان نحوی آن‌ها در جایگاه تعریف‌شده خود قرار ندارد. مانند این بیت:

رئیس دهی با پسر در رهی گذشتند بر قلب شاهنشهی

(۱۸۶۱)

و یا:

نهادست باری شفا در عسل نه چندان که زور آورد با اجل

(۳۴۴۶)

۴-۲-۲- جمله‌های با دو رکن جا به جا شده

تعداد جمله‌هایی که دو رکن از ارکان آن در جای اصلی خود قرار ندارند، از دو گونه پیشین بسیار کم‌تر است.

به محمود گفت این حکایت کسی پیچید از اندیشه بر خود بسی

(۱۸۲۳)

از میان کل جمله‌های جامعه این پژوهش ما در بوستان، ۸۳ جمله یافت شد که در آن‌ها دو رکن از ارکان نحوی آن‌ها در جایگاه معین خود به کار نرفته‌اند که از نظر آماری ۳/۲ درصد از کل جمله‌ها می‌شود. از این تعداد، کم‌ترین آن‌ها در باب دهم و بیش‌ترین آن‌ها در باب سوم وجود دارد.

۴-۲-۳- جمله‌های با بیش از دو رکن جابه‌جا شده

در بیت‌های بررسی‌شده سه بیت وجود دارد که بیش از دو رکن از جمله آن در جای خود به کار نرفته‌اند. مانند:

دو بیتم جگر کرد روزی کباب که می‌گفت گوینده‌ای با رباب

(۳۶۸۳)

شیخ اجل دریافته است که به‌هم‌ریختگی ارکان نحوی و جابه‌جایی‌های زیاد اجزای جمله، درک معنای آن را مشکل می‌کند. مانند بیت زیر که به علت جابه‌جایی ارکان جمله، در نگاه نخست معنای آن مبهم می‌نماید:

چنان تنگش آگنده خاک استخوان که از عاج پرتوتیا سرمه دان

(۳۷۱۷)

یعنی این که: « خاک گور چنان استخوان هایش را پرکرده بود که سرمه‌دان عاج را از توتیا پر کرده باشند. » (یوسفی،

۱۳۷۲: ۴۰۸) هر چند در نگاه اول دریافت مفهوم جمله برای مخاطبان مشکل است. فراوانی جمله‌های مستقیم و غیرمستقیم را در نمودار زیر در بوستان نشان داده‌ایم.



نمودار شماره ۳: بسامد جمله مستقیم و غیرمستقیم و تعداد رکن جابه‌جا شده

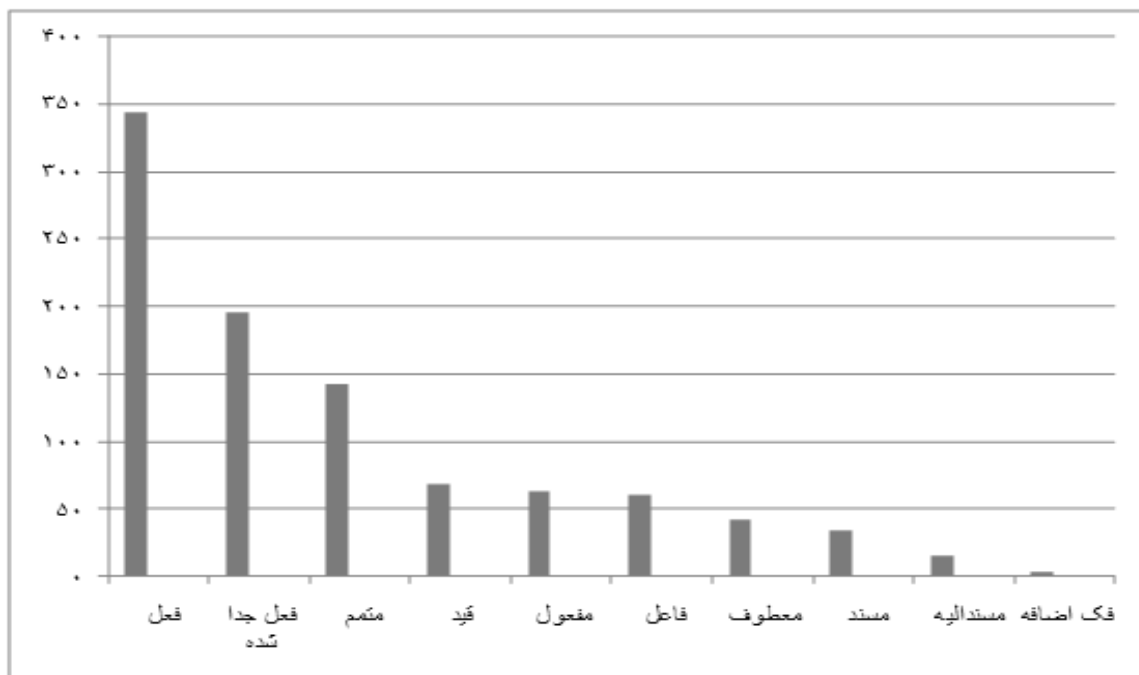
این جدول نشان می‌دهد که تقریباً ۶۰ درصد از جمله‌های بوستان، مستقیم هستند و ارکان نحوی آن‌ها نظم طبیعی و نثرگونه دارند و این جای بسی شگفتی است که با وجود محدودیت‌های بلاغی و عروضی و قافیه‌ای، شاعری بتواند ارکان این تعداد از جمله‌ها را در جای تعریف شده خود به کار ببرد.

۳۶ درصد از جمله‌ها تنها یک رکن از ارکان آن‌ها در جایگاه تعریف شده و اصلی خود به کار نرفته‌اند و این بدین معناست که اجزای ۳۶ درصد از جمله‌ها، با تغییر جای یک رکن، به جمله‌ای مستقیم تبدیل می‌شوند.

طبق نمودار شماره ۳ در بیت‌های بررسی شده، ۲۴۸۰ جمله وجود دارد که یا مستقیم است، یا با یک جابجایی به صورت مستقیم در می‌آید. این تعداد بیش از ۹۶ درصد از کل جمله‌های بررسی شده در جامعه آماری این پژوهش است و کمتر از ۴ درصد از جمله‌ها دو یا بیش از دو رکن از ارکان آن‌ها تقدیم یا تاخیر دارند.

۵-۲- بررسی ارکان جابه‌جا شده جم‌له‌ها

برای این که مشخص شود در بوستان، بیش‌تر کدام رکن از ارکان نحوی جمله، در جایگاه اصلی خود به کار نرفته است، جمله‌ها و جمله‌واره‌ها را بررسی نموده و نتایج آن را در جدول زیر ارائه نموده‌ایم. بر اساس این نتایج، توزیع ارکان جابه‌جا شده در بوستان به شرح زیر است:



نمودار شماره ۴: رکن‌های جابه‌جا شده و بسامد آن‌ها در بوستان

نگاهی گذرا به این جدول، نهفته‌هایی از نوع تقدیم و تأخیرها را به ما نشان می‌دهد هرچند دلیل این تقدیم و تأخیرها بیش‌تر به علوم بلاغی و عروضی مربوط می‌شود و در موضوع این پژوهش نمی‌گنجد.

- **فعل:** در ۳۴۴ جمله فعل در جایگاه خود قرار ندارد.

- در ۱۹۶ مورد دیگر بخش صرفی فعل مرکب از بخش غیر صرفی جدا شده است که به فعل و گروه فعلی مربوط می‌شود. از ۹۷۰ جمله غیرمستقیم، ۵۴۰ جابه‌جایی صورت گرفته، به گروه فعلی مربوط می‌شود که این تعداد، بیش از ۵۵ درصد از کل جابه‌جایی‌های ارکان نحوی در بوستان است.

- **متمم:** پس از فعل و گروه فعلی، بیش‌ترین رکنی که جابه‌جا شده است، مربوط به متمم یا مفعول با واسطه است. ۱۴۳ مورد جابه‌جایی ارکان به این مقوله مربوط است.

- **قید:** ۶۸ مورد از جابه‌جایی‌ها به این رکن مربوط می‌شود. هرچند به نسبت کاربرد فراوان قید در بوستان، انتظار می‌رفت که جابه‌جایی صورت گرفته در این رکن، بیش از این باشد.

- **مفعول:** در ۶۳ جمله، مفعول جمله‌ها در جایگاه اصلی خود قرار نداشت.

- **فاعل:** مفعول و فاعل این دو رکن اصلی جمله، از نظر جابه‌جایی در جمله تقریباً به هم نزدیک هستند. در ۶۰ جمله فاعل در مکان اصلی خود قرار ندارد.

- **معطوف:** این رکن نیز در ۴۲ مورد در کنار معطوف عنه قرار نداشت.

- **مسند:** در ۳۴ جمله مسند در مکان اصلی خود قرار نداشت.

- **مسندالیه:** در جامعه آماری ما ۱۶ جمله وجود داشت که مسندالیه آن در جای خود به کار نرفته بود.

- **فک اضافه:** در ۴ جمله مشاهده گردید که مضاف از مضاف‌الیه با «را» ی فک اضافه جدا شده بود و در جای

اصلی خود قرار نداشت.

همان‌گونه که مشاهده شد فعل و گروه فعلی بیش‌ترین رکنی هستند که در جایگاه خود به کار نرفته بود. این رکن که از فعال‌ترین و پرکاربردترین اجزای نحوی کلام در بوستان است بیش‌تر در ابتدای جمله‌ها آمده بود. به هر روی هر کدام از رکن‌های جابه‌جا شده بدون شک رازی در بر دارند یا از سر نیازی است که به حوزه بلاغت مربوط می‌شود و پرداختن به سبب آن‌ها از حوصله این مقاله بیرون است.

نتیجه

بر اساس بررسی جزئی‌نگرانه ۱۱۰۰ بیت از بوستان سعدی از نظر ساختمان جمله‌ها، نتایج زیر قابل توجه است:

- سعدی در بوستان تا حد زیادی به بافت صحیح و مستقیم بودن جمله‌ها و جمله‌واره‌ها پایبند است و تلاش می‌کند تا موزونی آثارش از نظم دستوری کلام او نکاهد و ساختمان دستوری جمله‌ها در صحیح‌ترین شکل ممکن باشد. عنصر وزن و موسیقی در شعر او منجر به پس و پیش شدن‌های حاد ارکان جمله نمی‌شوند و با وجود تنگنای وزن و قافیه شیخ اجل سعی می‌کند تا اندیشه‌های خود را در بافت جمله‌هایی جای دهد که به زبان رایج جامعه نزدیک و به شکل طبیعی خود باشد.

- نزدیک به ۶۰ درصد از جمله‌هایی که در بوستان به کار رفته‌اند، کاملاً مستقیم هستند و ارکان نحوی جمله‌ها در جای اصلی خود قرار دارند. با توجه به تنگنای وزن و قافیه جای بسی شگفتی است. شاید یکی از اصلی‌ترین دلایل روانی سخن سعدی و یکی از اسرار و مصادیق سهل ممتنع بودن کلام، او همین نکته باشد.

- در تعداد زیادی از جمله‌ها و جمله‌واره‌هایی که ارکان آن‌ها جابه‌جا شده‌اند و به اصطلاح مستقیم نیستند، تنها یک رکن از ارکان دستوری آن‌ها در جای اصلی خود به کار نرفته‌اند. تقریباً ۳۸ درصد از جمله‌های غیر مستقیم، یک رکن از ارکان نحوی آن‌ها دچار تقدیم یا تأخیر شده است.

- بیش‌ترین رکنی که در جای اصلی خود به کار نرفته است، فعل و متعلقات آن است. در ۳۴۴ جمله‌واره، فعل و در ۱۹۶ جمله‌واره متعلقات فعل از قبیل بخش غیرصرفی فعل مرکب و فعل شبه معین در جای خود قرار ندارند. پس از گروه فعلی، بیش‌ترین ارکانی که در جای خود به کار نرفته‌اند به ترتیب عبارتند از: قید، متمم، مفعول، فاعل.

- تنها ۳ درصد از جمله‌واره‌های بوستان بیش از یک رکن از ارکان نحوی آن‌ها جابه‌جا شده‌اند که با توجه به تنگنای وزن و قافیه و اصول بلاغی این بسامد اندک، جای تعجب دارد.

- از نظر الگوی جمله‌های به کار رفته، باید گفت که سعدی از سه الگو بیش‌تر استفاده کرده است و اکثر جمله‌های بوستان بر اساس این سه الگو ساخته شده‌اند. بیش‌ترین جمله‌های بوستان بر اساس الگوی (مسنندالیه + مفعول رایبی + فعل تام متعدی) است. بیش از ۳۸ درصد از جمله‌ها در بوستان طبق این الگو ساخته شده‌اند. الگوی (مسنندالیه + فعل تام لازم) نیز کاربرد زیادتری نسبت به الگوهای دیگر دارد. پس از آن، الگوی (مسنندالیه + مکمل (مسنند) + فعل ربطی) بیش‌ترین کاربرد را در بوستان دارد. این الگوها معمولاً جمله‌های کوتاه می‌سازند به همین دلیل سعدی علاقه‌ی بیش‌تری دارد که از آن‌ها استفاده کند. در مجموع بیش از ۹۰ درصد از جمله‌های بوستان طبق سه الگوی یادشده است.

- الگوی (مسنندالیه + مفعول رایبی + مفعول دوم + فعل متعدی دو مفعولی) و هم‌چنین الگوی (مسنندالیه + مفعول رایبی + مکمل (مسنند) + فعل ناقص متعدی) بسامد بسیار کم‌تری نسبت به الگوهای پیشین دارند. در جامعه آماری ما

تنها یک جمله بر اساس الگوی (مسندالیه + فعل مجهول) وجود داشت. این جای بسی تأمل است که در ۱۱۰۰ بیت و بیش از ۲۵۶۰ جمله و جمله‌واره، تنها یک جمله مجهول وجود دارد.

- به نظر می‌رسد بر اساس نتایج این پژوهش می‌توان گفت که جنبه‌های مستقیم‌داشتن جمله‌ها در بوستان، از ویژگی‌های اصلی و قابل تأمل بوستان و از شگردهای سعدی است و پیوند زیادی با روانی و سادگی آثار وی و بویژه با مهم‌ترین ویژگی سبکی متناقض‌نمای "سهل ممتنع" بودن آثار وی دارد.

پی‌نوشت

۱- همه بیت‌هایی که در این پژوهش از بوستان شاهد آورده می‌شود، برگرفته از کتاب بوستان سعدی به تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، سال ۱۳۷۲، چاپ چهارم از انتشارات خوارزمی است و عدد داخل پرانتز، نشانگر شماره آن بیت است.

فهرست منابع

- ۱- انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن. (۱۳۷۳). *دستور زبان فارسی (۲)*. تهران: فاطمی.
- ۲- باطنی، محمد رضا. (۱۳۸۷). *نگاهی تازه به دستور زبان فارسی*. تهران: آگاه.
- ۳- ----- . (۱۳۷۹). *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- ۴- حسن لی، کاووس. (۱۳۹۳). *راهنمای موضوعی سعدی شناسی - فهرست ریز موضوعی کتاب های منتشر شده در پیوند با سعدی تا سال ۱۳۸۰ خورشیدی*. شیراز: دانشگاه شیراز.
- ۵- خیامپور، عبدالرسول. (۱۳۸۸). *دستور زبان فارسی*. تبریز: ستوده.
- ۶- سعدی، مصلح‌الدین عبدالله. (۱۳۷۲). *بوستان سعدی*. تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: خوارزمی.
- ۷- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۳). *صورت خیال در شعر فارسی*. تهران: آگاه.
- ۸- صفوی، کورش. (۱۳۶۷). *نگاهی به پیشینه زبان فارسی*. تهران: نشر مرکز.
- ۹- صیادکوه، اکبر. (۱۳۸۶). *مقدمه‌ای بر نقد زیبایی شناسی سعدی*. تهران: نشر روزگار.
- ۱۰- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۷۸). *جمله و تحول آن در زبان فارسی*. تهران: امیرکبیر.